

آموزشگاه‌هایی برای آینده

طرح‌های پیشنهادی برگرفته از روانشناسی معماری

مؤلفان:

هنری سانوف - پیترا مانزبر - فریدنسریش هاندروت و اثر

با پیشگفتاری از پروفسور هنری سانوف و نظراتی از طرف پروفسور پتر هابنر و
فردریش هاندرواسر، انتشارات اسپرینگر

مترجم: مرضیه فدایی

عنوان و نام پدیدآور

آموزشگاه‌هایی برای آینده: طرح‌های پیشنهادی برگرفته از روانشناسی معماری /
[ویراستار روتراوت والدن]: ترجمه مرضیه وفایی.

مشخصات نشر

اصفهان: انتشارات دانش، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهر

ص: ۳۸۰.

شابک

978- 600- 95388- 5- 0 :

وضعیت فهرست‌نویسی

فیا:

یادداشت

عنوان اصلی:

Schools for the future: design proposals from architectural psychology, c2009

موضوع

ساختمان‌های مدارس:

موضوع

معماری -- جنبه‌های روان‌شناسی

شناسه افزوده

والدن، روتراوت ۱۹۵۶ - م؛ ویراستار

شناسه افزوده

Walden, Rotraut :

شناسه افزوده

فدایی، مرضیه، ۱۳۵۶ -، مترجم

رده‌بندی - گروه

LB۳۲۰۵/۷۸ ۱۳۹۴ :

رده‌بندی دیویی

۷۲۷/۰۱۹ :

شماره کتابشناسی

۴۱۳۰۳۸۰ :



نام کتاب

آموزشگاه‌هایی برای آینده

مؤلفان

(طرح‌های پیشنهادی برگرفته از روانشناسی معماری)

ترجمه

مرضیه فدایی

ناشر

دانش

صفحه‌آرایی

الهام پیدایی

لیتوگرافی

مینیاتور

چاپ و صحافی

منصور

صحافی

نمونه

شمارگان

۱۰۰۰ :

نوبت چاپ

اول :

شابک

978- 600- 95388- 5- 0 :

قیمت

ریال ۱۸۰۰۰۰ :

حق چاپ برای مؤلف محفوظ می‌باشد

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان وحید نظری بین دوازده فروردین و اردیبهشت

پلاک ۱۱۶ طبقه همکف

تلفن: ۶۶۹۵۷۵۶۶ - ۶۶۴۸۱۵۲۴

پیشگفتار

هنری آمان

امکانات آموزشگاههای شاخصهای قدرتمندی از ارزشها و آرمانهای جامعه است. آموزشگاهها نیازهای آموزش دانش آموزان را تأمین می کنند و نیازهای اجتماعی، آموزشی، تفریحی و نیازهای شاخص اعضای جامعه بزرگتر را تأمین می کند و چنین استدلال شده که مدارس موفق، انسجام و انسجام جامعه را تقویت می کنند. با این حال، اصلاحات آموزشی در وهله اول روی مطالب آموزشی و نحوه تدریس متمرکز می شوند. در نتیجه برنامه های تدریس تقویت شده، راهبردهای آموزشی بهبود یافته و مطالب آموزشی به روز رسانی می شوند. اما آنچه که وجه کمی به آن می شود در واقع فضای کالبدی محیط آموزشی است. سیستم های آموزشگاه و این نتیجه رسیده اند که والدین در یک بهتری در قبال آموزشگاههای تحصیل فرزندشان در حمله ظاهر کالبدی آموزشگاه و مقدار فناوری های در دسترس، رسیده اند. بعلاوه سیستم های آموزشگاهی به این نتیجه رسیده اند که معلمان و والدین به یک نسبت از آموزشگاههای دارای محیط کالبدی داخلی "بیمار" اجتناب می کنند (استیونسون و زوتی). تصورات غلطی در این باره که کیفیت ساختمان آموزشگاهها تأثیری روی عملکرد تحصیلی ندارد، وجود دارد که منجر به شکافی میان دیدگاه آموزگاران در قبال ارتقاء کیفیت و فرایند برنامه ریزی آموزشگاهها می شود.

کاملاً واضح است که دانش آموزان در موقعیت‌های آموزشی مختلف طبق توانایی هایشان، بهترین عملکرد را از خودشان نشان می‌دهند، در نتیجه آموزشگاه‌ها دارای امکانات مشابه، فرصت‌های برابری را برای دانش آموزان فراهم نمی‌نمایند. سیستم‌های آموزشگاه‌ای در ایالات متحده‌ی آمریکا انتخاب‌های بیشتری را پیش روی والدین و کودکان قرار می‌دهد. دیگر این رویکرد که "یک سایز" برای همه مناسب است به تدریج ناپدید شده و جانشین را به محیط‌های یادگیری کوچکتر و متنوع‌تر داده که انتخاب‌ها و گزینه‌های بیشتری را در برده، نحوه، چگونگی و مکان یادگیری را در اختیار والدین و کودکان قرار می‌دهد، بنابراین مرکز از برنامه ریزی منطقه‌ای گسترده در زمینه‌ی ارائه‌ی امکانات آموزشگاهی برابر به سمت طرح‌ها، تأمین کننده‌ی نیازهای هر آموزشگاه در حرکت است (استیوسون، ۲۰۰۲). در نتیجه والدین انتخاب‌های بیشتری در مورد محل تحصیل فرزندشان دارند و به دنبال آموزشگاه‌ها شخصی‌ساز شده و تأمین کننده‌ی نیازهایشان هستند.

سناریوهای بسیار متفاوتی می‌تواند جنبه‌ی طراحی ساختمانهای آتی را تحت تأثیر قرار دهد (بوتین، مو)، یک دیدگاه برای آینده معتقد است که کلاسهای تحصیلی استاندارد، ناپدید خواهند شد. از نظر آنها، آزمایشگاه‌ها، تخصصی و مراکز یادگیری رواج پیدا خواهند کرد (لاکنی، ۱۹۹۹). آنهایی که به دیدگاه مدرک‌ر ا اعتقاد دارند، یادگیری را به بخش‌های، تحصیلی، هنری، فنی حرفه‌ای و انشعابات این سیستم بندی می‌کنند که نادرست به نظر می‌رسد (چن، ۱۹۹۶). از طرفی دیدگاه یادگیری آتی جامع است برای مثال هنر با هنرهای زبانی یا تدریس ریاضیات به همراه مهارت‌های شغلی فنی و حرفه‌ای همراه شده است. در این سناریو، کلاسها باید چند منظوره، بوده و امکان ترکیب آموزش سنتی را با تجارب آزمایشگاهی و عملی مختلفی فراهم کنند که می‌تواند شامل ساخت سفال یا هنرهای نمایشی باشد. ایده‌ی محیط‌های یادگیری شخصی سازی شده که توجه زیادی را در زمینه‌ی طراحی کلاس‌ها، پلان‌های خانگی و موقعیت آموزشگاه درون آموزشگاه

فراهم کرده است، نقش دانش آموز را در طراحی کلی آموزشگاه مهم می‌داند و آنرا بخشی از آموزش دانسته که در نهایت فضایی را برای اجرای راهبردهای آموزشی متنوع فراهم می‌کند.

سناریوی دیگری به دنبال توسعه امکانات همگانی آموزشگاهی است. در این دیدگاه، آموزشگاههای آینده به نحوه ساخت یا طراحی مجدد میشوند که فضاهای آموزشی و حمایتی از طریق جامعه، سازمانهای اجتماعی و حتی تجاری هم قابل استفاده باشند. این ایده که آموزشگاهها همچون مراکز آموزشی اجتماعی هستند با پژوهش در زمینه اهمیت حضور فعال والدین، رشد روزافزون اهمیت یادگیری مادام العمر و این شناخت که جوامع داراییهای بسیاری صرف ابزارهای آموزشی مهمشان می‌نمایند، مورد حمایت قرار گرفت. این آگاهی‌ها منجر به احیای محیط یادگیری مناسب و شناسایی عوامل ارتقاء دهنده پیشرفت دانش آموزان شد. به اشتراک گذاشتن امکانات آموزشی و تسهیلات حمایتی، هم برای جامعه و هم برای آموزشگاه مفید است. دانش آموزان در چنین شرایطی به دامنه وسیع تری از تخصص‌های اجتماعی و تجاری دسترسی دارند که برنامه درسی را وارد زندگی آنها نموده و آنهایی که در حالت عادی به امکانات آموزشگاهی دسترسی ندارند با توجه به پولی که صرف می‌کنند با تسهیلات بهتری دست می‌یابند. کلید برنامه‌ریزی موفق، تأمین فضاهای قابل انطباق و بسیار انعطاف پذیر در آموزشگاه هایمان است.

روندهای قبلی نشان می‌دهد که تأسیسات آموزشگاهی چگونه در آینده شرایط متفاوتی خواهند داشت. هر چند شاید این احتمال مربوط به آینده دور باشد ولی سناریوی دیگری، آموزشگاههای فعلی را در حال ناپدید شدن می‌داند (کنسرسيوم فناوری آموزشی نورث وست، ۲۰۰۲). اگر به پیشرفت سریع فناوری و عدم اطمینان روزافزون والدین به آموزش عمومی فکر کنیم پس ناپدید شدن آجر و مصالح سازهای که آموزشگاه نامیده میشود، امکان پذیر است. کودک می‌تواند به دروسی که آگاه ترین متخصصان در جهان عرضه می‌نمایند دسترسی داشته باشد و به صورت الکترونیکی با معلمان و دانش آموزان

کشورهای دیگر به عنوان بخشی از مطالب جغرافی، زبان یا مطالعات سیاسی در ارتباط باشند. والدین مجری آموزش خانگی، از فناوری برای دسترسی به مراکز آموزشی استفاده می‌کنند. دانش آموزان ساکن در مناطق دور دست کانادا و استرالیا که صدها مایل از ساختمان آموزشگاهها فاصله دارند با استفاده از کامپیوترشان وارد آموزشگاه می‌شوند. فناوری به معنای واقعی کلمه به دانش آموزان دبیرستانی در مناطق روستایی اجازه می‌دهد که درسی را به صورت آنلاین از معلمی در شهر دریافت کنند.

تأیید سؤال این نباشد که آموزشگاهها تا کی باقی می‌مانند بلکه سؤال اینجاست که آموزشگاههای ری چگونه و چقدر رشد خواهند نمود. کسی نمی‌داند ولی این مسئله ابهام زیادی در باره مقدار سرمایه گذاری روی ساختارهای کالبدی، نوع نیازمندی‌های حیاتی و تأکید بر نیازهای آتی آموزشگاهها به عنوان مراکز تولید و انتشار مطالب مطرح می‌کند. هرچنین هدف اصلی تحصیلی هم زیر سؤال می‌رود. اگر فناوری بخواهد بیشتر نیازهای آموزشی را تأمین کند، پس دیگر چه کسی و چرا در قبال فرایند جامعه پذیری آموزشگاهها که قبلاً به آن پایبند بودند، مسئول خواهد بود؟

عنصر جدیدی که در طراحی آموزشگاه باید لحاظ شود، مشارکت کنندگان بسیار فعالی در زمینه طراحی تأسیسات جدید آموزشگاه است. گروههای اجتماع محور، سازمانهای شهری و دانشگاهها تنها جزء محدود گروهی هستند که در گذشته روی طراحی آموزشگاهها نفوذ داشته اند این فعالیت منجر به مشارکت بیشتر شهروندان و سازمانهای خصوصی و دولتی در این زمینه می‌گردد. در دهه‌های آینده، مربیان و برنامه ریزان تأسیسات به طور فزاینده‌ای نیازهای کودکان پیش دبستانی و شهروندان سالمند را لحاظ خواهند نمود. آموزگاران و معلمان در این دوره‌ی جدید از یادگیری مادام العمر، باید دیدگاهشان در قبال افرادی که از این تأسیسات استفاده می‌کنند را افزایش داده و به دقت از تغییرات شرایط جمعیت شناختی آنها آگاه باشند. شاید لازم باشد تا از تأکید قدیمی روی ایجاد تسهیلات برای سالمندان به سمت رویکردهایی که به دنبال آمیختن نسل‌ها هستند

حرکت کرده تا بتوانیم بازنشسته‌ها را فعال نگه داشته (سالیوان، ۲۰۰۲) آموزشگاهها می‌توانند با ایجاد فضاهای یادگیری در موقعیت‌های نامرسمی همچون موزه‌ها و مراکز خرید، به رویکردهای یادگیری نوآورانه‌ای که نیازهای جامعه را هم در بر می‌گیرد.

تهیه تسهیلات آموزشگاهی تأمین کننده‌ی نیازهای فعلی و آتی در یک جامعه، نیازمند بررسی مداوم محیط، تعامل با آموزگاران، اجتماع، کسب و کار و سایست گذاران و آگاهی از مسائل آموزشی، طراحی و زیست محیطی است. در غیر این صورت، تکیه بر عقایدی همچون "در گذشته مناسب بوده" یا "همیشه همین کار را می‌کردیم"، به بدترین نتیجه از نظر ائتلاف منابع سرمایه، نارضایتی در جامعه و کاهش فرصت‌های آموزش بهینه و افت پیامدهای آموزشی منتهی می‌گردد. عنصر زیربنایی برای برنامه‌ریزی مؤثر در قرن بیست و یکم باید به صورت "تکرار کردن در و برای امروز" باشد. سؤالات خاصی که باید به طور مداوم پرسیده شوند، عبارتند از: "چه چیزی در فعالیت آموزشی در حال ظهور است که می‌تواند راحتی آموزشگاه را در آینده تحت تأثیر قرار دهد؟" "ترکیب جمعیت شناختی جامعه چه تغییری کرده که می‌تواند نحوه‌ی آموزش را تغییر دهد؟" "آیا تحقیق مناسبی وجود دارد که آموزش را به نحوه‌ی کارآمدتر و مناسب‌تر ارائه دهد؟" (بینگلر، کوئین و سالیوان، ۲۰۰۳). آیا با پاسخ به این سؤالات، می‌توانیم ایده‌ها را شویم که تأسیسات آتی آموزشگاهی به طور مناسبی از برنامه‌های آموزشی روز، حمایت خواهند نمود؟ این کتاب اولین گام در جهت بررسی این سؤالات به نظر می‌رسد.